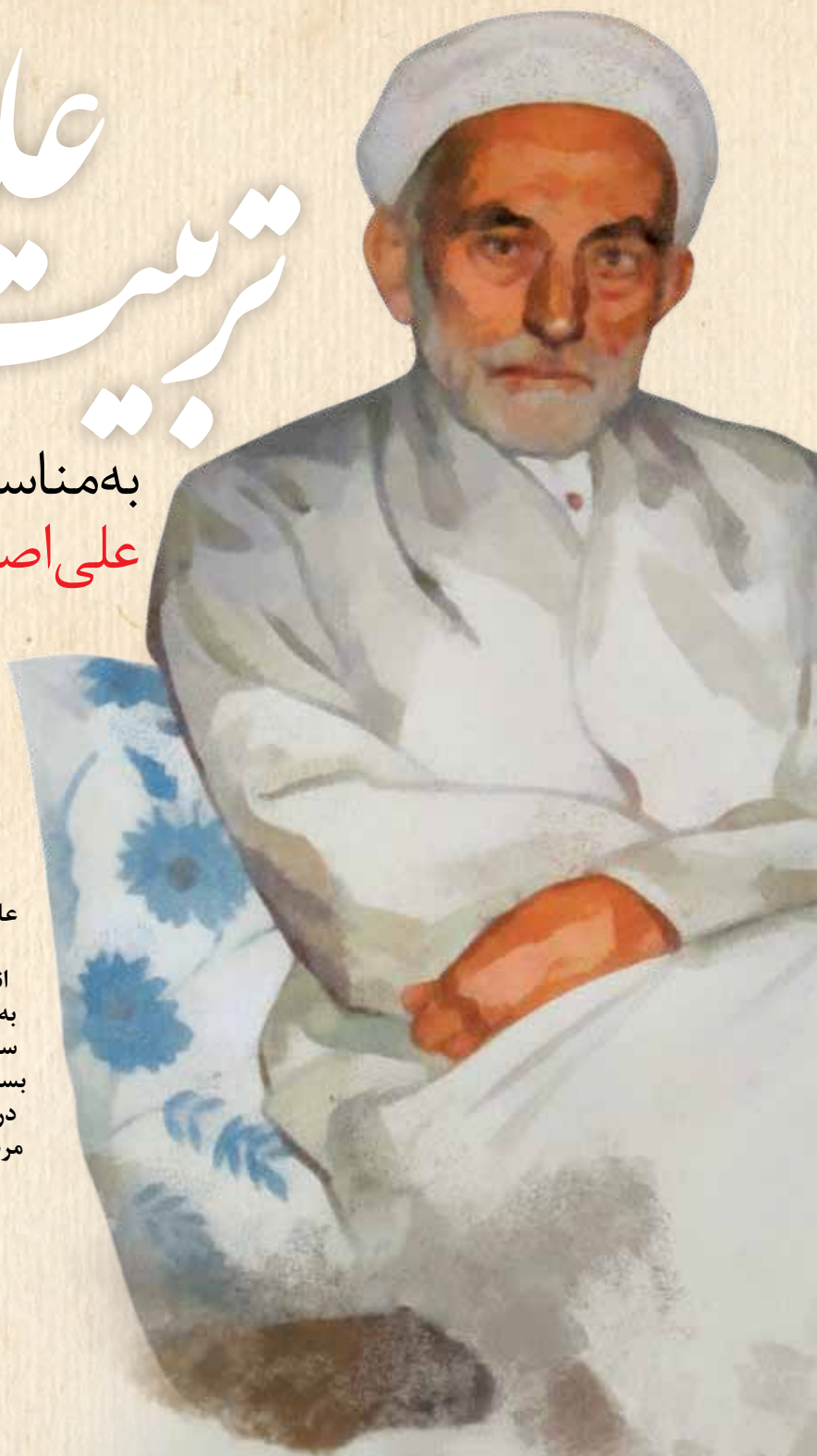


تزیینت علی

به مناسبت یکصدمین سال تولد
علی اصغر علامه کرباسچیان

جعفر ربانی
تصویرگر: علی شفیق آبادی

نوشتن دربارهٔ مرحوم حجت الاسلام علی اصغر علامه کرباسچیان، دشواری‌های خاص خود را دارد و در این صفحات اندک حق مطلب دربارهٔ او ادا نمی‌شود. به هر حال، اینک که درست در یکصدمین سال تولد علامه قرار گرفته‌ایم، یادکرد او بسیار بجاست. نگارنده امیدوار است بتواند در فرصتی دیگر حق مطلب را دربارهٔ این مردستریگ ادا کند و میزان اثرگذاری او را در تأسیس و توسعهٔ مدارس اسلامی بهتر نشان دهد.



**علامه سرمایه‌ای
برای تأسیس
مدرسه نداشت.
نزد چهار نفر از
مردان خیر بازار
رفت و از آن‌ها
کمک خواست.
دو نفر از آن‌ها هر
یک ۲۵ هزار تومان
دادند. نفر سوم
نداشت. علامه
به او گفت: اگر
ندارید قرض
کنید! و او
قرض کرد**

علی اصغر علامه کرباسچیان در سال ۱۲۹۳ شمسی در منطقه بازار تهران متولد شد. پدر بزرگش **حاج محمد تقی** در کار تجارت کرباس بود و از بازرگانان بسیار متقی به‌شمار می‌رفت و زبانزد مردم بود. علی اصغر نخست به مکتب رفت و خواندن و نوشتن و قرآن را در حد مطلوب فراگرفت. آن زمان در مکتب‌خانه‌ها، به گفته علامه، «بچه‌ای که دو سال آنجا بود کلیله و دمنه را می‌خواند». روحیه تعلیم دادن از همان کودکی در علی اصغر وجود داشت: «بچه‌ها را از کوچه جمع می‌کردم و منزل می‌بردم و نماز یادشان می‌دادم... جایزه هم به آن‌ها می‌دادم.» علی اصغر بعد از مکتب به مدرسه مروی تهران رفت و دروس طلبگی را آغاز کرد. در همان جوانی با شخصیت‌های بزرگی برخورد کرد یا از آن‌ها درس گرفت که هر یک استوانه‌ای در تعلیم و تحقیق و تربیت اسلامی بودند. **شیخ ابوالحسن شعرانی، آقا بزرگ ساوجی، شیخ هادی مقدس** و آقای **دربندی** از آن جمله بودند. اما این‌ها همه به منزله رودهایی بودند که وی را سرانجام به دریای بزرگ، یعنی **آیت‌الله سید حسین بروجردی**، متصل کردند؛ مردی که در توجه به آموزش و تعلیم و تربیت و انسان‌سازی اسوه‌ای بود. علامه نقل کرده است که روزی پیرمردی عصازنان وارد مجلس آقای بروجردی شد که معلوم بود اهل علم نیست. اما آیت‌الله بروجردی نهایت احترام را به او گذاشت. بعد از رفتن او، حاضران از ایشان پرسیدند دلیل احترام شما به این مرد چه بود؟ گفت: «او در الشتر (لرستان) مکتب‌خانه دارد و بچه‌ها را تربیت می‌کند.»

باری، علامه فراز و فرودهای بسیاری را از سرگذراند و راجع به چگونگی تربیت کودکان و نوجوانان تأملات بسیار کرد تا اینکه در حدود ۴۰ سالگی به این نتیجه رسید که «عمل صالح» و بهترین کار در آن اوضاع و احوال این است که مدرسه‌ای تأسیس کند. وی کلید این کار را با مرحوم شیخ هادی مقدس^۱ زد، که خود از واعظان انسان‌ساز آن روزهای تهران بود: «فکر تأسیس مدرسه که در ذهن بنده آمد یک روز نزدیک‌های مغرب در بازار تهران به آقای حاج مقدس رسیدم. ایشان فرمودند: شما چطور در تهران مانده‌اید؟ ... گفتم می‌خواهیم ان‌شاءالله مدرسه‌ای تأسیس کنیم که بچه‌ها را نجات دهیم. ایشان آهی کشیدند و گفتند سی سال است این غم در دل من است که بچه‌های ما دوره دبستان را طی می‌کنند، اما وقتی می‌روند در این دبیرستان‌ها لامذهب

می‌شوند. گفتند: من امشب برای نماز جماعت (به مسجد) نمی‌روم [تا با هم در این باره صحبت کنیم]. با هم رفتیم در مسجد بزازها نشستیم و صحبت کردیم.»

جالب توجه است با اینکه علامه خود پیشنهاددهنده تأسیس مدرسه بود ولی منظور وی از مدرسه، مدرسه رسمی با مجوز آموزش و پرورش نبود، این «مقدس» بود که به وی گفت: «نه خیر؛ ما باید برای این مدرسه امتیاز رسمی بگیریم و مدرسه‌ای داشته باشیم قانونی!»

علامه سرمایه‌ای برای تأسیس مدرسه نداشت. نزد چهار نفر از مردان خیر بازار رفت و از آن‌ها کمک خواست. دو نفر از آن‌ها هر یک ۲۵ هزار تومان دادند. نفر سوم نداشت. علامه به او گفت: اگر ندارید قرض کنید! و او قرض کرد. نفر چهارم هم نداشت، علامه گفت: فلانی قرض کرد، شما هم قرض کنید! او نیز پذیرفت و بدین ترتیب «با صد هزار تومان آن چهار نفر یک خانه هفتصد متری قدیمی پشت مسجد و مدرسه سپهسالار خریداری شد...» بدین ترتیب، مدرسه علوی با اجازه رسمی و به نام یکی از فرهنگیان نیک‌نام به نام **علی نقی فقهی** تأسیس شد.

تأمین نیروی انسانی

به نظر می‌رسد موفقیت‌های شادروان علامه را می‌توان مصداق این آیه شریفه دانست: «و من یتق الله يجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث یرید...» هر کس تقوا پیشه کند خداوند در کار او گشایش می‌دهد و از جایی که خود نمی‌داند به او روزی می‌رساند» (طلاق/۳-۲). علامه در مورد معلم و نیروهای انسانی لازم برای مدرسه تا قبل از تأسیس کاری انجام نداده بود، ولی هر چه پیش رفت توانست نیروهای مناسب و مؤثری پیدا کند. اولین قدم، پیدا کردن مدیر برای مدرسه بود که در همان روزهای اول، حسب تصادف، **رضا روزبه** را پیدا کرد (ایشان را در رشد معلم، شماره بهمن ماه ۱۳۸۸ معرفی کرده‌ایم). که شرح زندگی و خدمات او قبل و بعد از تصدی ریاست مؤسسه علوی، خود نیاز به کتابی دارد و البته چنین کتابی هم نوشته شده است. به هر حال، روزبه که دانش‌آموخته رشته فیزیک دانشگاه تهران بود و شخصی چون دکتر **محمدباقر هوشیار** از او خواسته بود در دانشگاه بماند و دستیار او باشد و نپذیرفته بود، با اشتیاق ریاست مدرسه را پذیرفت و بدین ترتیب دبیرستان علوی در مهرماه سال ۱۳۳۵ با فقط یک کلاس

-کلاس هفتم - شروع به کار کرد. علامه پاره‌ای از دیگر نیروهای مدرسه را هم به همین ترتیب با بصیرت خاص خود جذب کرد که از آن جمله باید شادروان **علی گل‌زاده غفوری**، دکتر **علی مدرسی**، مرحوم **سید هادی محدث** و مرحوم **عباس ملک عباسی** را نام برد که تا آخرین گام همراه علامه در مدرسه باقی ماندند.

علامه با کوشش بی‌شائبه و تلاشی پیگیر، خود را وقف مدرسه کرد. وی مدیر مدرسه نبود ولی هر روز صبح زود، زودتر از همه، به مدرسه می‌آمد و کلاس‌ها را مرتب و آماده می‌کرد تا معلمان و دانش‌آموزان از راه برسند و درس‌ها را شروع کنند. بعد از چند سال، وقتی مدرسه به بهره‌وری رسید و دانش‌آموزان آن به دانشگاه رفتند و در رشته‌های خوب پذیرفته شدند، دبیرستان علوی، مدرسه‌ای شد هم‌تراز مدرسه البرز که سابقه‌ای طولانی داشت و در آن سال‌ها موفقیتی چشمگیر در فرستادن دانش‌آموزان خود به دانشگاه داشت. در آن زمان مدرسه‌های البرز و هدف، از مدرسه‌های خوب تهران بودند و خانواده‌های علاقه‌مند می‌کوشیدند فرزندان خود را به این مدرسه‌ها بفرستند و حالا دبیرستان علوی هم به آن‌ها اضافه شده بود. علامه خود می‌گوید: «مدرسه [علوی] به این نیت درست شد که در جنبه‌های علمی و معنوی، هر دو، قوی باشد، نه اینکه به بچه‌ها بگوییم فقط قرآن بخوانید و روضه بروید و سینه بزنید... یا مثل مدارس البرز و هدف و... تأکید فقط روی علم باشد. از روز اول قصد ما این بود. کسی به آقای دکتر [محمدعلی] **مجتهدی** رئیس دبیرستان البرز گفته بود: «من بچه‌ام را کجا بگذارم؟» گفته بود: «اگر علم می‌خواهی مدرسه ما و اگر علم و دین می‌خواهی مدرسه علوی.»

چنان که در ابتدا اشاره کردیم، معرفی شخصیت علامه، روش‌ها و راه و رسم او در تعلیم و تربیت، نحوه مواجهه او با معلم و دانش‌آموز، خصلت‌های فردی و دیگر ویژگی‌های او مجال بسیاری می‌طلبد که این مختصر گنجایش آن را ندارد. در عین حال، این از خوشبختی‌های علامه است که پس از وی شاگردانش درباره او بسیار گفته و نوشته‌اند و در واقع «دبیات علامه کرباسچیان» را انتشار داده‌اند.^۲ به هر روی، مدرسه علوی طی دو دهه تا پیروزی انقلاب اسلامی، توانست چهره‌های طراز اولی را از نظر علمی، دینی، اجتماعی، مدیریتی و... در همه رشته‌ها تربیت کند که بسیاری از آن‌ها در انقلاب اسلامی و سپس تشکیل جمهوری اسلامی منشأ

اثر شدند. از همه این‌ها مهم‌تر اینکه بسیاری از این دانش‌آموختگان به تاسی از علامه، مدارس متعددی را در تهران و شهرستان‌ها تأسیس کردند که چنین کاری، در ایران، به نوبه خود بی‌سابقه است.

در سال ۱۳۸۵ به مناسبت «پنجاهمین سال تأسیس مدرسه علوی»، همکاران و دوستان علامه و دانش‌آموختگان مدرسه علوی مجموعه کتاب‌هایی را منتشر کردند که اطلاعات ارزنده و مقالات مفیدی در این خصوص دارد. با نقل عبارت‌هایی کوتاه از یکی از این کتاب‌ها با عنوان «روایت استاد»، این نوشته را به پایان می‌بریم:

علی گل‌زاده غفوری: علامه پنج خصوصیت داشت: اخلاص، کارگشایی، پشتکار، از خود شروع کردن، استغنائی طبع.

دکتر غلامحسین شکوهی: هر چند من آقای علامه را فقط یک بار در مدرسه نیکان دیدم، ولی من با ایشان و آقای روزبه زندگی می‌کنم.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: خیلی از فارغ‌التحصیلان علوی الان در کشور منشأ آثار زیادی هستند... قطعاً مدارس علوی، نیکان و... در اینکه قشر تحصیل کرده کشور ما به مسائل انقلاب و مذهب توجه کنند، تأثیرگذار بوده است.

دکتر سیدکمال خرازی: تأسیس مدرسه علوی تحولی بزرگ را در تاریخ آموزش و پرورش کشور رقم زد.

دکتر محمدعلی فیاض‌بخش: این لطیفه را بارها از زبان بی‌تکلف علامه شنیدیم: «حکیمی را خبر آوردند که فلانی به وردی کرامت‌آمیز مردگان را زنده می‌کند. حکیم گفت: وی را پیغام کنند که با تغییر ورد سحرانگیز خود عجلتاً از مردن زندگان جلوگیری کند.» علامه به اصل انتخاب اصلاح برای کار مؤثر و تربیتی در کار خود سخت معتقد بود. خرده‌گیری‌های همراه بر او به ملامت برمی‌خاستند که کار روی استعدادها قابل کاری کارستان نیست... فرودستان را فراکشید! علامه نیز در پاسخ بدین تمثیل برمی‌خاست: زمینی در اختیار دارم کوچک و محدود. آیا در این زمین گلایی شاه میوه بکارم یا تخم خرزهره بپاشم؟!»

دکتر غلامعلی حدادعادل: دبیرستان علوی در جامعه ایران تأثیری انکارناپذیر به‌جا نهاد و در تعلیم و تربیت این سرزمین راهگشا بود و در عرصه تعلیم و تربیت دینی برای مردم متدین این کشور الگویی قابل تکرار و تقلید ایجاد کرد.

* پی‌نوشت

۱. برای آشنایی با زندگی شیخ هادی مقدس می‌توانید به کتاب در دیار صالحان، نوشته حسین فقهی، انتشارات جمهوری (۱۳۸۰) مراجعه کنید.
۲. مدرسی، علی. فیض گل. اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی زنجان. ۱۳۷۷.
۳. نشر آفاق به انتشار مجموعه کتاب‌هایی در این خصوص اقدام کرده است. الف. آثار علامه کرباسچیان شامل:
 ۱. رسائل استاد (۱ و ۲)؛
 ۲. وصایای استاد؛
 ۳. توصیه‌های استاد؛
 ۴. در مکتب استاد (۱ و ۲)؛
 ۵. در محضر استاد (۱، ۲ و ۳).ب. درباره علامه کرباسچیان شامل:
 ۱. حدیث آرزومندی، دکتر محمدعلی فیاض‌بخش؛
 ۲. نوای عهد دلیندی، دکتر محمدعلی فیاض‌بخش؛
 ۳. یادنامه استاد علامه کرباسچیان، به مناسبت پنجاهمین سال تأسیس مدرسه علوی. همچنین کتاب روایت استاد شامل نظرات دوستان و شاگردان علامه درباره او از سوی مرکز تدوین و نشر آثار علامه کرباسچیان (۱۳۸۶) انتشار یافته است.